نسیم جنوب
www.nasimjonoub.com
سال بیست و پنجم – شماره ۱۰۱۲
سه شنبه ۱۱ مرداد ۱۴۰۱ ۸ صفحه – ۲۰۰۰ تومان
(مبلغ فروش به کیوسک مطبوعاتی تعلق میگیرد)

در سوگ شادروان مهری کرمی، نویسنده و شاعر بوشهری

بدرود مهربانوی فرهنگ و ادب

عبدالحمید دشتی فرد، مداح و نوحه خوان عزاداری سنتی بوشهر:

قدری درباره معرفت عاشورایی تامل و تفکر کنیم



از شمار دوچشم یک تن کم / وز شمار خرد هزاران بیش
درگذشت شادروان مهربانوی فرهیخته سرکار خانم مهری کرمی، شاعر، نویسنده، ادیب و دوستدار نشست های ادبی را به جامعه فرهنگی و خانواده آن عزیز سفرکرده تسلیت عرض نموده، از خداوند برای آن مرحوم روحی فرحناک در مینوی جاودانی خواستاریم و برای بازماندگان شکیبایی آرزومندیم.
(انجمن شاهنامه کانون بازنشستگان آموزش و پرورش بوشهر)

درگذشت نابهنگام نویسنده و شاعر بوشهری، «شادروان مهری کرمی» را به جامعه فرهنگی و ادبی استان بوشهر تسلیت عرض می‌کنیم. از خداوند بزرگ برای این مادر فداکار و انسان شایسته، آرامش ابدی و برای بازماندگان داغدارش صبر بر این مصیبت خواهانیم.
(هفته نامه نسیم جنوب)

استاندار بوشهر:

امکان واگذاری پنج هزار قطعه زمین برای مسکن ویلایی در استان بوشهر وجود دارد

استاندار بوشهر گفت: تاکنون ۱۳۰ قطعه زمین به متقاضیان ساخت مسکن در قالب نهضت ملی جهش تولید مسکن به صورت ویلایی در شهرهای کوچک این استان واگذار شده است و امکان افزایش آن تا پنج هزار قطعه وجود دارد.
احمد محمدی زاده روز یکشنبه در حاشیه نشست شورای ملی مسکن که به صورت ویدئو کنفرانس با حضور رئیس جمهور برگزار شد در گفت و گو با ایرنا افزود: براساس برنامه ریزی انجام شده قرار است با تغییر کاربری زمین های ملی قطعه های ۱۸۰ تا ۲۰۰ متری برای ساخت واحد مسکونی در قالب نهضت ملی جهش تولید مسکن در شهرهای کوچک استان بوشهر به افراد واجد شرایط واگذار شود.
وی یادآور شد: یکی از سیاست‌های اصولی در نظام اسلامی تقسیم منابع و امکانات به صورت عادلانه بین قشرهای مختلف مردم است و در همین ارتباط به دستور رئیس جمهور اجرای عدالت در همه سطوح جامعه در دستور کار قرار دارد. اظهار کرد: همچنین براساس برنامه ریزی انجام شده قرار است تسهیلات بانکی مورد نیاز از محل تسهیلات جهش تولید مسکن برای ساخت واحدهای مسکونی در زمین‌های واگذار شده پرداخت شود.

خسارت ۲۳ میلیارد تومانی مونسون به راه‌های بوشهر

ایسنا/بوشهر: مدیرکل راهداری و حمل و نقل جاده‌ای استان بوشهر گفت: برآورد اولیه خسارت بارندگی‌ها و سیلاب ناشی از سامانه بارشی مونسون به راهها و پل‌های محورهای مواصلاتی تحت پوشش این اداره کل بیش از ۲۳ میلیارد ۶۵۰ میلیون تومان تخمین زده شده است.
عبدالکریم اخترشناس اظهار کرد:در برآورد اولیه، شهرستان دشتستان با ۱۱ میلیارد ۶۵۰ میلیون تومان، شهرستان تنگستان با ۷ میلیارد ۵۰۰ میلیون تومان و دشتی با ۴ میلیارد تومان بیشترین خسارت را در حوزه راه‌ها، ابنیه فنی و پل‌ها دیده اند. مدیرکل راهداری و حمل و نقل جاده‌ای استان با توجه ریزش مجدد کوه در محور اهرم به فراشبند تصریح کرد: این برآورد خسارت به راه‌ها و ابنیه فنی اولیه بوده و با توجه به ادامه ناپایداری‌های جوی در استان و امکان تشدید بارندگی‌ها در روزهای آتی ممکن است خسارات افزایش یابد.
اخترشناس از آماده باش صد در صد و حضور نیروها و لجستیک راهداری در کنار راهدارخانه‌ها محورهای ارتباطی خبر داد و افزود: از چهارشنبه و بدنبال هشدار سازمان هواشناسی و مدیریت بحران استان، بیش از ۲۰۰ نفر نیرو ۱۲۰ دستگاه ماشین آلات و لجستیک راهداری در ۱۶ راهدارخانه و همچنین نقاط آسیب پذیر راهها مستقر هستند و به ارائه خدمت می‌پردازند.
وی همچنین از پایش لحظه‌ای راهها و مناطق حساس راهها به وسیله سامانه‌های هوشمند نظارت تصویری خبر داد و گفت: کارشناسان مرکز مدیریت راه‌های استان با کمک ۲۰ سامانه نظارت تصویری نصب شده در مناطق حیاتی راه‌های استان نظیر پل دوقلوی کلل بصورت شبانه روزی به رصد رخدادهای طبیعی و ترافیکی این مناطق می‌پردازند و داده‌های این مرکز جهت اتخاذ تصمیم در اختیار مسئولان استان قرار می گیرد.

هیچ کدام از بیمه‌های رسمی بازنشستگان را به دلیل هزینه بسیار بالای درمان بازنشستگان پذیرش نمی‌کنند

زمین مورد نیاز احداث خانه امید بازنشستگان بوشهر پس از ۱۵ سال انتظار تامین شد

معاون توسعه مدیریت و منابع استاندار بوشهر گفت: مشکل تامین زمین احداث خانه امید بازنشستگان در مرکز این استان پس از ۱۵ سال انتظار و بلاتکلیفی برطرف شده است و در هفته دولت امسال عملیات اجرایی این پروژه آغاز می‌شود.
به گزارش خبرنگار ایرنا، اصغر جعفری در نشست بررسی مشکلات بازنشستگان استان بوشهر اظهار کرد: یکی از مطالبات مهم بازنشستگان استان بوشهر خانه امید بود که در سال ۱۳۸۶ تصویب شد اما تاکنون به علت تامین نشدن زمین بلاتکلیف مانده بود.وی بیان کرد: در این راستا با تلاش شورا و شهرداری و اداره کل راه و شهرسازی استان بوشهر قطعه زمینی در حال واگذاری است که پس از طی مراحل لازم عملیات اجرایی پروژه در هفته دولت آغاز می‌شود.
مدیر صندوق بازنشستگی کشوری استان بوشهر گفت: در این استان هم اکنون ۱۷ هزار و ۷۰۰ بازنشسته حقوق‌بگیر عضو صندوق کشوری هستند درحالی که ۱۲ هزار نفر از شاغلان دستگاه‌های اجرایی این استان پرداختی به صندوق دارند.
وی ادامه داد: بیشترین بازنشستگان عضو صندوق بازنشستگان استان بوشهر نیز متعلق به اداره کل آموزش و پرورش و دانشگاه علوم پزشکی بوشهر هستند.دستور کار دارد.
رئیس شورای کانون‌های بازنشستگی کشوری استان بوشهر نیز گفت: وقتی صحبت از تکریم انسانی است این یعنی عوامل ۳۰ سال خدمت دیروز پاس داشته شوند.
عالی بازدار افزود: اکنون نگاه نامناسب دستگاه‌های اجرایی به بازنشستگان یکی از چالش‌های این قشر است که باید با نگاه ویژه‌تری به بازنشستگان نگاه کنند.
وی ادامه داد: تکریم بازنشستگان یعنی اینکه پس اندازه ۳۰ ساله بازنشسته در صندوق بازنشستگی کشور در دوره سالمندی به دادش برسد.
بازدار اظهار کرد: همگان اطلاع دارند که صندوق بازنشستگان کشور با هلدینگ‌ها، شرکت‌ها و خرید سهام کارخانجات نتوانسته نیازهای بازنشسته خود را تامین کنند.
وی گفت: صندوق‌ها امروز به سختی نفس می‌کشند و این یک رنج بزرگ برای بازنشستگان کشور است که باید به کمک دولت مشکلات آن حل شود.
بازدار اظهار کرد: در مصوبه سفر دولت در سال ۸۶ به استان بوشهر باید دو باب خانه امید در شهرهای بوشهر و برازجان احداث می شد که این مهم تاکنون محقق نشده تا استان بوشهر تنها استان فاقد خانه امید باشد.



وی ادامه داد: در سال ۹۳ نیز با مصوبه شورای شهر بوشهر مقرر شد خانه امید احداث شود اما این مصوبه نیز تحقق پیدا نکرد و جای خوشحالی است که شورای کنونی بوشهر این موضوع را با جدیت دنبال می‌کند.
بازدار یادآور شد: اکنون هیچ کدام از بیمه‌های رسمی بازنشستگان را به دلیل هزینه بسیار بالای درمان بازنشستگان پذیرش نمی‌کنند و انصاف نیست که بازنشستگان با وجود کسر حق بیمه از حقوق نتوانند از مزیت‌های بیمه برخوردار شوند.

رئیس دبیرخانه سلامت دانشگاه علوم پزشکی بوشهر:

خیران استان بوشهر بیش از چهار میلیارد تومان به بخش سلامت کمک کردند

بوشهر – ایرنا– رئیس دبیرخانه سلامت و امنیت غذایی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر گفت: خیرین حوزه سلامت از ابتدای سال جاری تاکنون چهار میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان به حوزه سلامت این استان کمک کردند.
به گزارش خبرنگار ایرنا، عیسی صفوی روز شنبه در باره کمک خیران سلامت در استان بوشهر به رسانه ها اعلام کرد: مهم‌ترین موارد عملیاتی شده با این مبلغ اعتباری شامل تامین زمین احداث خانه بهداشت در روستاهای حاجی‌آباد و کنارترشان شهرستان دیر، سربست شهرستان گناوه و خرید تجهیزات آزمایشگاهی در عسلویه، تجهیزات رخت‌شوی‌خانه بیمارستان گناوه و اهدای ۳۲۰ متر زمین در شهرستان جم است.
وی اظهار کرد: در زمان حاضر دانشگاه علوم پزشکی بوشهر در حال عقد ۱۲ تفاهم نامه با خیران سلامت است که مهم‌ترین آنها شامل احداث آزمایشگاه مرکزی برازجان، زایشگاه تنگ ارم، اورژانس قلعه سفید در دشتستان و احداث اورژانس ۱۱۵ شهری گناوه، یکهزار متر زمین خانه بهداشت در گناوه، احداث خانه بهداشت سرمک در دشتی، احداث خانه مشارکتی بهداشت، اهدا ۲۸۰ متر زمین در تنگستان و خانه بهداشت حاجی آباد جم است.
رئیس دبیرخانه سلامت و امنیت غذایی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر گفت: پنج نفر از خیران حوزه سلامت این استان از وزیر بهداشت و درمان لوح تقدیر دریافت کرده اند.
صفوی افزود: فرایند ورود خیر به حوزه سلامت در دانشگاه علوم پزشکی به گونه‌ای است که ریاست دانشگاه و خیر امضاء تفاهم‌نامه نهایی را انجام می‌دهند و این بدین معناست که سیاست دانشگاه در ارتباط با خیران در سطح عالی مدیریت صورت می گیرد.

رئیس جدید شورای اسلامی شهر بوشهر انتخاب شد

انتخابات هیات رئیسه دومین سال شورای اسلامی شهر بوشهر برگزار و "وحید نیک روش" با کسب بیشترین آرا به عنوان رئیس این شورا برگزیده شد. پیش از این جعفر پورکبگانی ریاست شورای اسلامی شهر بوشهر را به عهده داشت و وحید نیک روش رئیس کمیسیون عمران آن شورا بود. به گزارش خبرنگار ایرنا، در این انتخابات نیک روش با کسب ۶ رای برای یکسال به عنوان رئیس این شورا انتخاب شد و جعفر پور کبگانی دیگر نامزد ریاست شورای شهر بوشهر در این دوره بود که ۳ رای اعضا را از آن خود کرد. همچنین در این انتخابات مهرزاد آسایش با ۶ رای به عنوان نایب رئیس و ایمان زندی‌نیاز به سمت منشی شورا برگزیده شدند.

شناگاه پارک ریشهر هم به علت ورود فاضلاب همراه آب های سطحی، ناسالم اعلام شد

به گزارش روابط عمومی اداره کل حفاظت محیط زیست استان بوشهر آلودگی شدیدی که پس از بارندگی امروز در محدوده دریایی پارک ریشهر موجب نگرانی شهروندان گردیده بود توسط کارشناسان محیط زیست بررسی گردید.
فرهاد قلی نژاد مدیر کل حفاظت محیط زیست استان بوشهر در این خصوص گفت: ورود لجن ناشی از شستشوی مجاری آب سطحی ناشی از بارندگی موجب ایجاد آلودگی در محدوده ای از دریا و تغییر رنگ سطح آب در ساحل پارک ریشهر گردید .که پس از چند ساعت رنگ آب به حالت اولیه برگشت .
مدیر کل حفاظت محیط زیست استان بوشهر با اشاره به وضعیت شناگاه ریشهر گفت : شناگاه پارک ریشهر به علت ورود فاضلاب همراه آب های سطحی از شناگاه های ناسالم است که توصیه میشود شهروندان از شنا در این شناگاه پرهیز نمایند قلی نژاد ضمن اشاره به ضرورت ساماندهی و گسترش شبکه جمع آوری فاضلاب شهر بوشهر گفت : پیگیری جدی در راستای جلوگیری از ورود فاضلاب به دریا بویژه در شناگاه ها در حال انجام است و ضرورت دارد از هر گونه ورود فاضلاب به دریا جلوگیری گردد. مهمترین راهکار در جهت پیشگیری از ورود لجن و سایر آلاینده ها به دریا در هنگام بارندگی لایروبی مجاری ورودی به دریا و پاکسازی آنهاست .که موارد از سوی اداره کل حفاظت محیط زیست استان بوشهر به دستگاه های متولی و مسول تاکید خواهد شد.

رییس جدید پارک علم و فناوری خلیج فارس منصوب شد



وزیر علوم، تحقیقات و فناوری در حکمی «ابوالحسن رزمی‌نیا» را به عنوان رییس پارک علم و فناوری خلیج فارس منصوب کرد.
در این حکم انتصاب محمد علی زلفی گل خطاب به ابوالحسن رزمی‌نیا رییس جدید پارک علم و فناوری خلیج فارس آمده است: نظر به مراتب تعهد، تخصص و تجربه جنابعالی و با عنایت به پیشنهاد معاون فناوری و نوآوری به موجب این حکم به مدت چهار سال به عنوان رییس پارک علم و فناوری خلیج فارس منصوب می‌شوید.
وی در این حکم تاکید کرد: امید است با توجه به راهبردهای اساسی دولت مردمی نقشی شایسته در تحقق اهداف نظام علم، فناوری و نوآوری به ویژه توسعه پارک و مراکز رشد و حل مشکلات پیش روی شرکت‌ها و مؤسسات دانش بنیان مستقر در پارک ایفا کنید.
لازم به ذکر است، ابوالحسن رزمی‌نیا (زاده بوشهر ۱۳۶۰) دارای دکترای مهندسی برق، با مرتبه علمی دانشیار عضو هیئت علمی دانشگاه خلیج فارس است که بیش از ۵۰ مقاله بین‌المللی دارد. و پیش از این رئیس دانشکده مهندسی سیستم‌های هوشمند و علوم داده این دانشگاه و مدیر مرکز رشد و مشاور طرح جامع برق در پارس جنوبی بوده است.

عبدالحمید دشتی فرد، مداح و نوحه خوان عزاداری سنتی بوشهر:

قدری درباره معرفت عاشورایی تامل و تفکر کنیم



از آن‌جایی که مردم ما نسبت به ماه محرم و شهادت امام حسین علیه السلام ارادت دارند و با فرا رسیدن ماه سوگواری حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام شور و هیجانی خاص از خود نشان می دهند، اما در طول این چهار دهه که از انقلاب می‌گذرد مبلغین و مداحان عاجز از تبیین رسالت محرم، خاصه‌ی دهه‌ی عاشورا بوده‌اند، لذا حقیر که عمری است افتخار ذاکری و مداحی خاندان عصمت را عهده دار هستم بر خود لازم می دانم که از عموم همشهریان و هم استانی‌هایم استدعای عاجزانه کنم قدری به این مهم و معرفت عاشورایی تامل و تفکر فرمایند.

بدیهی است که جامعه‌ی مداحان کشور نتوانسته‌اند حق مطلب را ادا کنند و عموما به بیان مراتب عاطفی، احساسی و تاریخی ماجرا بسنده کرده اند و هدف عاشورا و قیام حضرت سیدالشهداء را به طور کامل پیگیر نبوده‌اند.

امروز بسیاری از گروه‌های اجتماعی از کاستی‌ها و غفلت‌ها به نوعی فریاد زده‌اند و تنها گروه ستایشگران نور که وظیفه‌دار اصلی هستند خاموش و شاید کاهل بوده‌اند.

محرم یعنی هرس کردن حاکمیت در هر سرزمینی که از حقیقت دین فاصله گرفته است. به هر چیزی پرداخته می گردد به جز مقوله‌ی منکر و معروف – منکر و معروفی که امروز در جامعه‌ی ما جایش با هم عوض شده، منکر و معروفی که قیام امام حسین علیه السلام فقط به خاطر آن بود.

منکر در جامعه‌ی ما موج می زند، نیروی جوان نا امید و سرخورده شده و تورم طغیان‌گر، هستی آحاد جامعه را از هم گسیخته و اینجاست که برادران و خواهران مداح ما وظیفه اصلی خود را در نقد تصمیمات چالش زا قرار دهند.

امید است با استعانت از درگاه الهی، محرم امسال منشاء معرفت زایی و کمک به بلوغ بیشتر جامعه عاشورایی گردد.

برای تحقق پایش سلامت در عسلویه، همه ارگان‌های مربوط باید پای‌کار باشند

فرماندار عسلویه گفت: برای تحقق پایش سلامت در عسلویه، همه ارگان‌های مسئول باید پای‌کار بیایند.

سید علی هاشمی افزود: مطالبات مردم باید ابتدا در مجمع سلامت شهرستان جمع‌بندی و به اطلاع و توجه همه مسئولان به ویژه مسئولان مربوطه کشور برسد.

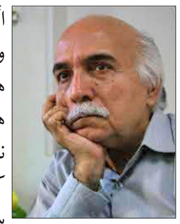
وی یادآور شد: مدیران شهرستان عسلویه زبان گویای مردم هستند و باید مطالبات مردم را تا تحقق دنبال کنند.

وی افزود: مدیرعامل منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس به‌عنوان نماینده عالی وزارت نفت در شهرستان و مسبب اصلی ایجاد این آلایندگی باید در مجمع سلامت حضور یابد.

فرماندار عسلویه اظهار کرد: عوارض آلایندگی پرداختی باید در راستای رفع آلایندگی شهرها و روستاها هزینه شود.

سینه مالامال درد است ای دریغامرهمی

حسین حشمتی



اگرچه گرانی اجناس و به ویژه مواد خوراکی و دارویی همیشه وجود داشته اما شعله های سرکش آن تا این اندازه نبوده که سفره ملت را آن قدر کوچک کند که در عمر۴۳ ساله جمهوری اسلامی ایران سابقه نداشته باشد.

امروزه تامین معیشت آن چنان بر دوش سرپرستان خانوار سنگینی می کند که مستمری بگیران تنها تا دهه اول ماه می توانند هزینه های ضروری عائله تحت تکفل خویش را تامین نمایند و برای دو دهه دیگر تن به کارهایی بدهند که در شان آنان نیست.

امروز که برای خرید نان قصد خروج از ساختمان محل سکونت را داشتم، یکی از همکاران سابق را دیدم که تی و سطل آب به دست مشغول تمیز کردن پله ها و پاگردهای ساختمان است، برای این که ناراحت نشود سریع از کنارش گذشتم اما خودش صدایم کرد و گفت «رو برنگردان رفیق، روزگار است آن که گه عزت دهد گه خار دارد/ چرخ بازیگراز این بازیچه ها بسیاردارد» و بعد برایم شرح داد که زنش چندسالی است به بیماری صعب العلاجی مبتلا شده و حقوق بازنشستگی که هیچ، وضع آن قدر خراب است که برای تامین هزینه های بسیار سنگین درمانِ او، خانه، خودرو و اثاثیه را فروخته و حالا که آه در بساط نمانده با کمک یکی از همکاران سابق که شرکت پیمانکاری نظافت ساختمانهای مسکونی را انجام می دهد از ۶ صبح تا ۶ بعدازظهر نظافت سه مجتمع ساختمانی را انجام می دهد تا از محل دستمزد حاصله بتواند با تهیه چند قلم از داروهای گران قیمت و کمیاب، اندکی از دردهای طاقت فرسای همسرش را تسکین بخشد.

پرسیدم فلانی مگر از مزایای بیمه تکمیلی استفاده نمی کنی؟ نیش خندی زد و متقابلا پرسید یعنی تو تا حالا سر و کارت با این شرکت به اصطلاح بیمه تکمیلی نیفتاده است؟

حقیقت این که ما بازنشستگان چه قدر خوش بختیم که مثلا دو آسپانسر بیمه ای داریم وحق بیمه های ناچیزی! هم بابت آن خدمات غیرقابل باور! از حقوق ماهیانه ما کسر می شود اما، نه تنها مدارک خرید داروهای تجویزی را که "عمده ترین بخش هزینه های درمانی" است نمی پذیرند بلکه پرداختی بابت سایر خدمات پزشکی راهم فقط آنهایی را که طرف قرارداد خودشان باشد قبول می کنند و تنها ۳۰ درصد مبلغ مدارک پذیرش شده را می پردازند، ۳۰ درصدی که خودشان ادعا دارند۷۰درصد است!؟ آن هم چند ماه بعد به حساب بازنشستگان واریز می کنند و جالب تر این که تازگی ها می گویند وظیفه ما کارشناسی مدارک بیمارستانی است که از طریق صندوق برایمان ارسال می گردد



و نتیجه ارزیابی ها را هم برای کارفرمایمان می فرستیم و حال آن که مدارک پزشکی پرداخت شده، راساً توسط بازنشستگان به نمایندگی های بخش خصوصی که توسط شعبه اصلی شرکت آتیه در مراکز استانها معرفی شده اند تحویل و البته مبلغی هم بابت «هزینه خدمت» به آن نمایندگی ها پرداخت می کنند تا آنها در موعد مقرر مدارک دریافتی رابه شعبه اصلی برسانند تا بعد از بررسی های مثلا "فنی" توسط کارشناسان ذیربط به صندوق بازنشستگی کشور ارسال و یحتمل با بازبینی مجدد بالاخره حدود۳۰ درصد مبلغ هزینه شده را به حساب بازنشسته واریز نمایند و چنین است که من بازنشسته وقتی می بینیم که نتیجه همه ی این دوندگی ها تنها بخش ناچیزی ازهزینه های پزشکی پرداخت شده است، عطایش رابه لقایش می بخشم.

تابستان رکوردشکن در جنوب ایران

حسین احمدی : آیا این سیل حاصل شدیدترین بارش تاریخ در تابستان جنوب بود؟ آمارها این فرض را تایید می کنند. پیش از این رکورد بارش جولای در جنوب ایران ۳۵ میلی متر بوده که ۲۷ سال قبل یعنی در سال ۱۹۹۵ ثبت شده بود. جولای امسال در شش ایستگاه اصلی سینوپتیک جنوب، زاهدان، یزد، بافت، سراوان، کوهرنگ و طبس متوسط بارش ۴۸ میلی متر ثبت شده که اختلاف زیادی با رکورد پیشین دارد و نکته مهم این است که این حجم عظیم بارش غالبا در ساعاتی محدود رخ داده است.

پانوشت ۱: سیل را بارش می آفریند. اما خسارات سیل عمدتا ناشی از عدم رعایت اقتضائات اقلیمی و زیست بومی هستند. رکوردشکنی بارش امسال توجیه وقوع سیل است نه لزوما خسارتهای آن.

پانوشت ۲: جولای در تقویم ایرانی می شود تقریبا از دهم تیر تا دهم مرداد. اما چون عمده بارش و سیل های متعاقب آن در مرداد رخ دادند به واقع این رکورد باید به نام مرداد ثبت شود.

پانوشت ۳: لانینا و مونسون. از این دو عبارت اقلیمی پس از این بسیار خواهیم شنید. دو عامل اقلیمی که رکورد بارش تابستانی در جنوب ایران را شکسته اند. مونسون را می شناختیم. لانینا، نقطه مقابل ال نینیو را هم باید بیشتر بشناسیم.

زندگی آگاهانه

ابزارهای رشد فردی؛ تفکر سیستمی

حسین زیرراهی –مدرس مهارتهای توسعه فردی



در سال ۱۹۵۸ میلادی مائو رهبر چین سیاست‌های اصلاح‌طلبانه جدید چین به نام یک گام به جلو را اعلام کرد. این برنامه دو بخش صنعتی و کشاورزی داشت. در بخش صنعتی تولید فولاد و در بخش کشاورزی نابودی گنجشک‌ها اعلام شد. چرا؟ چون گنجشک‌ها بخش زیادی از محصولات کشاورزان زحمتکش را نابود می کردند. به زودی جنگی تمام عیار در چین بر علیه گنجشکها شروع شد و در عرض یک سال جمعیت گنجشکها در سراسر چین رو به انقراض گذاشت. ولی ناگهان جمعیت حشرات رو به فزونی گذاشت. هجوم ملخ به مزارع چنان زیاد شد که چین در مقابل آنها کاملا بی‌دفاع شده بود. در سالهای بعد چهل و سه میلیون چینی از گرسنگی مرد تا اینکه دولت مجبور شد از اتحاد جماهیر شوروی گنجشک وارد کند. بزرگترین واردات گنجشک در تاریخ.

این مثالی مشهور از نبود تفکر سیستمی است. تفکر سیستمی بخشی از تفکر نقاد است. بصورت خلاصه تفکر سیستمی یعنی بلندمدت فکر کردن. یعنی به انتهای تصمیم خود فکر کنیم و ببنیم در درازمدت چه عواقب یا نتایجی برای ما دارد. سیستمی فکر نکردن فقط برای تصمیمات جمعی نیست، خیلی از تصمیمات شخصی ما هم سیستمی نیست. تقریبا هر زمان که هدف ما صرفا خلاص شدن آنی از یک مشکل، یا نتیجه گرفتن در کوتاه مدت باشد سیستمی فکر نکرده‌ایم. وقتی در یک خیابان عبور ممنوع رانندگی می کنیم که زودتر به مقصد برسیم؛ وقتی در امتحان تقلب می‌کنیم تا نمره بالاتری بگیریم؛ وقتی سر مشتری خود کلاه می گذاریم تا سود بیشتری ببریم؛ وقتی در شغل کارمندی خود کارها را سمبل می کنیم؛ وقتی به جای وقت گذاشتن با بچه خود او را با تلویزیون و گوشی موبایل سرگرم می کنیم؛ وقتی مدرک دانشگاهی تقلبی یا پایان‌نامه دیگران را کپی می‌کنیم و هزاران مثال دیگر دقیقا جاهایی است که سیستمی فکر نمی کنیم.

چرا داشتن تفکر سیستمی اینقدر مهم است؟ چون دنیایی که ما در آن زندگی می‌کنیم یک سیستم بسته است. نتایج کارهای ما در دنیا می‌ماند و بالاخره روزی به خود ما بر می گردد. فقط مساله زمان در میان است. گاهی همان لحظه مانند جریمه شدن در عبور ممنوع گاهی یک سال مانند مثال کارمند و فروشنده، گاهی تا پایان عمر برای والدین یک بچه. بسته به بزرگی آن کار یا تصمیم حتی تا سالها بعد از مرگ و گاهی هم تا هزاران سال بعد آثار یک تصمیم در دنیا ممکن است بماند، مانند نتایج کار یک سیاستمدار یا هنرمند. چرا ما سیستمی فکر نمی کنیم؟ چون مغز ما مسائل را خطی می‌بینند نه سیستمی. وقتی در شرایطی خاص یا در مشکلی قرار داریم مغز ما فقط می‌خواهد ما را از آن مشکل بیرون بیاورد. حداقل مغز قدیم ما که شامل مغز خزنده و پستاندار است توانایی سفر به آینده را ندارد. بنابراین با خود می گوییم حالا از این مشکل خلاص شوم آینده هم خدا کریم است.

غافل از اینکه اثر آن تصمیم از بین نمی‌رود و بقول معروف از هر دست که بدهی از همان دست پس می گیری. ما ممکن است با یک تصمیم از مشکلی خلاص شویم ولی آن راه حل فوری ممکن است ما را با مشکل دیگری مواجه کند. تفکر سیستمی به ما کمک می کند به این فکر کنیم که در درازمدت می‌خواهیم چه نتایجی بگیریم، چگونه انسانی باشیم، چه تاثیری بر دنیا بگذاریم و در دنیا چگونه شناخته شویم.

ترجیح می‌داد داستان‌ها و شعرهایش در نشریه‌های محلی چاپ شوند

شادروان مهری کرمی نویسنده، روزنامه نگار و شاعری بود که سالها در عرصه فرهنگی و ادبی بوشهر فعال بود، ولی اقدام به انتشار کتابی از داستان ها و یا اشعار خود ننمود.

وی در سال ۱۳۹۲ در مصاحبه با خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) در این باره گفت: تاکنون ۱۵ داستان کوتاه نوشته‌ام اما به دلیل مشکلات مربوط به چاپ و نشر در استان بوشهر از انتشار آن‌ها خودداری کرده‌ام.

کرمی گفت: تاکنون داستان‌های کوتاهی مانند «میلاد سکوت» و «تابوت خاله» را نوشته‌ام، اما به‌دلیل مشکلاتی که در حوزه چاپ و نشر استان بوشهر وجود دارد، از انتشار آن‌ها به صورت کتاب خودداری کرده‌ام.

این روزنامه‌نگار بوشهری گفت: کتاب شدن داستان در شهرستان، دردسرهای خاص خودش را دارد و علاوه بر این، باید با هزینه شخصی اثر را چاپ کرد. مسوولیت توزیع و پخش کتاب هم به عهده نویسنده است.

وی ادامه داد: با این وجود که بسیاری از آشنایانم نوشته‌هایم را دوست دارند و از من می‌خواهند آن‌ها را در قالب کتاب منتشر کنم، اما هنوز تمایلی به کتاب شدن آثارم ندارم.

کرمی درباره ویژگی و محتوای داستان‌هایش گفت: نوشته‌هایم رویکرد بومی دارند. در داستان‌هایم بیشتر به موضوعات اجتماعی مانند اعتیاد و تنهایی پرداخته‌ام.

وی اظهار کرد: ترجیح می‌دهم داستان‌ها و شعرهایم در نشریه‌های محلی چاپ شوند، چون با این روش، پیام‌های اجتماعی‌ام را در قالب داستان به مخاطب منتقل می‌کنم.

* روحش شاد و یادش گرامی باد.

و شعر، شعر هستی‌بخش

تقدیم به مهری کرمی که شعر و ادبیات اصل اساسی زندگیش بود

سیامک برازجانی

ما در کجای جهان ایستاده‌ایم؟ چگونه راه می‌رویم؟ منش ما از کجا نشات می گیرد؟ شعر چگونه چراغ راه می‌شود؟ چگونه راهمان را روشن می کند؟ چرا و چگونه شعر پناه و پناهگاه ما می‌شود؟ پاسخ همه این سوالات را می توان در منش و روش مواجهه افراد با ادبیات و فرهنگ جست. به یاد دارم در سال ۷۷ که برادر استاد آتشی در بیمارستان بستری بود و دکترها از ایشان قطع امید کرده بودند، آتشی در اورژانس بیمارستان فاطمه زهرا نشسته بود.



نشسته بود و تکان نمی‌خورد. بی‌قرار بود و منتظر خبر آخر! می‌دانست که خبر خوشی در پیش نیست. تقریبا شبانه روز آن جا بود. به من با تاکید می گفت «هر روز برایم همه روزنومه‌ها رو بیار! علیباشی هم برو و اگر کتابی دیدی که چنگی به دل می‌زد برایم بگیر و بیار اینجا»! کار هر روز من ساعت ۵ عصر این بود که همه روزنامه‌ها و هفته‌نامه ها را از دکه روزنامه فروشی می‌خریدم و برای استاد به بیمارستان می‌بردم. از نشریاتی مثل فرهنگ توسعه و آبان و کلک در این نشریات بود تا یالثارات و قدس و کیهان. هر کتاب ارزشمندی هم که می دیدم می خریدم و به بیمارستان می بردم. نکته جالب داستان ما از همین جا شروع می شد. از جایی که من با کوله باری از کتاب و روزنومه به بیمارستان می رسیدم. بی قراری و دلهره و اضطراب در چهره استاد فریاد می کشید اما تا این همه روزنامه را می دید چنان آرامشی او را فرا می گرفت که من حیرت می کردم. روزنامه که در دست می گرفت از بیمارستان کنده می شد و در دنیای دیگری قرار می گرفت. چنان که گویی بیمارستان باغ است و آتشی عاشقی که دارد به گلهای باغ می نگرد.

منش خانم کرمی در نگاه به ادبیات هم این گونه بود. تنها تکیه گاه ایشان شعر بود و ادبیات و هنر. با همه سختی ها و تلخی ها و درشتی های روزگار همواره و همیشه به شعر پناه می برد. دریای ادبیات بود که او را آرام می کرد و در داستان های مختلف بود که سفر می کرد. همیشه برای هر نشستی آماده بود و خود را به آن نشست می رساند. شعرهای خوب به ما معرفی می کرد و ما را تشویق به خواندن اشعار خوب می کرد. شاعری آرام بود که شمیم جان افزایش در جلسات ادبی جریان می یافت و جدیت و نگاه موشکافانه به موضوعات را به دیگران هم منتقل می کرد.

به تمام معنی کلمه منشی روشنفکرانه داشت. می خواند و می نوشت اما درویش مسلک بود. هرگز اهل ارائه شعر نبود. دوست داشت شعر دیگران را بشنود و کوله باری از گل از آن اشعار برداشت کند. کتاب های بسیار زیادی خوانده بود و آثار خوب ادبیات جهان را می شناخت اما اهل سخنرانی نبود. به همین دلیل در هر جلسه که حرفی از داستان نویس یا شاعری می شد فقط چند جمله کوتاه اما بسیار مهم می گفت و لبخندی می زد. لبخند بر لبانش محو نمی شد. این لبخند انتقام او از درشتی های روزگارش بود. فرزندش بیش از ده سال است در کما قرار دارد و همسرش فوت شده بود. کل بار زندگی بر دوش داشت و با این لبخند و شعر و داستان بود که از جهان انتقام می گرفت.

از وقتی که خبر درگذشتش را در نسیم جنوبمان خواندم تا الان گیج و منگ هستم. فوت خانم مهری کرمی تکرار خاطرات تلخ فوت سایر عزیزانم است. تکرار تلخی فوت نابهنگام عبدالباقی دشتی‌نژاد، حبیبه محب‌زاده، محسن شریف، شهمار حسن‌پور عزیزم، استاد حسن برازجانی، مریم صابر و... اینک منم و گورستانی بزرگ و فرهیخته پرور در جانم. منم که به سیر این گورستان مشغولم و آن سوتر بیابانی است و آتشی که مرا و ما را به آن سوی آب می خوانند.

در سودای آگاهی و آزادی

خلیل موحد



یکی از رویدادهای دلپذیر و فرخنده ی زیست آدمی آشنایی، دیدار، هم نشینی و داد و سند فکری و رفتاری با مردمان اندیشه ورز و بهمنش است. چه به گفته ی مولانا :

صحبت صالح تو را صالح کند / صحبت طالع تو را طالع کند

این سخن گرچه کلیت ندارد؛ ولی دست کم بازتاب پاره ای از واقعیت است. در سمت و سوی رو در رو، هرگاه آدمی چنین هم باوران زیبا سرشت و پاکیزه رای را ناخواسته وا می نهد، اندوه این گونه گسست ها، نمود فزون تری می یابد.

مهری کرمی از دسته آدمیان نیک نهاد بود که همواره در سودای آگاهی و ژرف اندیشی سیر و سلوک می کرد و به عنوان یک دوستدار دانایی، دلبسته ی کتاب بود و خرید کتاب و خوانش آن در نزد او جایگاه ویژه ای داشت و پاره ای از زیست او را در بر می گرفت. مهری کرمی که خود را به درستی عضوی از جامعه ی مدنی می پنداشت، برای دستیابی به دانش و بینش، همیشه یک پای نشست های فرهنگی و ادبی بود.

در نشست های هفتگی خوانش متون کهن پارسی که در دفتر هفته نامه ی پیغام برگزار می شد، کم و بیش حضوری دایمی داشت. در نشست های شاهنامه خوانی و معنایابی آن نیز شرکت می کرد. این نشست ها سال هاست به ابتکار کانون بازنشستگان آموزش و پرورش بوشهر در پاره ی پیشینه دار آموزشگاه سعادت برگزار می شود. هم اندیش خوش زبان ما که در چکاد فروتنی ایستاده بود، در دیگر گردهمایی های فرهنگی مستقل از قدرت و از آن میان در دوشنبه های ادبی هفته نامه ی نسیم جنوب و برنامه ی رونمایی از کتاب های نویسندگان بوشهری حاضر بود.

این انسان والانگر به آرمان های فرخنده و باشکوه آزادی و عدالت باور بنیادین داشت و از استبداد و ستم و بهره کشی بیزار بود. او در کادر همین آرزوهای برین، نامش در زیر همه ی بیانیه های حقوق بشری که در بوشهر تولید می شد پدیدار بود.

اما با وجود گفتنی های زبرین، آن چه این شاعر ما را شایسته ی آموزگاری نیز می کند، ایستادگی سترگ و شگفت انگیز او در رویارویی با لایه های غمبار زندگی اش بود. او فرزند و همسر خود را نابهنگام از دست داد و در سوگشان نشست. دیگر رویداد دردناک نیز هنگامی به سوی او رخ نمود که پسر دیگرش در بیست و پنج سالگی به علت تصادف، آسیب مغزی شدید دید و ده پانزده سال است که در خانه زمینگیر شده است.

زنده یاد کرمی اما به رغم این همه گرفتاری های روان خراش و رنج های فرسایشی که توش و توان ذهنی و عینی را از آدمی می ستاند، خویش را نباخت و در ستیز با ناملایمات به سان کوه پابرجا بود و امیدوارانه عرصه ی عمومی را از هستی خویش خالی نکرد. او در کنش، با این آموزه ی مولوی نسبتی تمام داشت که کوشش بیهوده، به از خفتگی است و باید در راه رسیدن به آمال پاک انسانی و پاسداری از کرامت انسان تراشید و خروشید و تا هنگام مرگ از این کنش همایون رو پس نکرد.

من مرگ را زیسته ام!

مینا درعلی

از دست دادن عزیزان باورنکردنی ترین واقعیتی است که همه ما در زمان از دست دادن عزیزی به آن دچار می شویم.

در این روزهای گرم مردادی با شنیدن مرگ دوست عزیزم مهری کرمی نازنینم یا همان خانم فرنگیس کرمی، تمام تنم یخ کرد زیرا که مهری از جمله کسانی بود که هرگز فکر نمی کردم از میان ما با این سرعت پر بکشد، برود و فراز را تنها بگذارد.



خانم کرمی عزیز از جمله انسان هایی بود که با تمام مشکلاتی که داشت، هرگز لبخند ریز گوشه لب را فراموش نمی کرد و همیشه طنزی در گفته هایش داشت که انگار در حین با ارزشی زندگی، آن را هم به گونه ای به سخره می گرفت و بیانگر شعر شاملوی بزرگ بود که: «من مرگ را زیسته ام!»

مهری به راستی مرگ را زیسته بود، زندگی ای با تمام تلخی ها و سختی هایش، دردهایی چون تنها شدنش در حوزه تاهل، مرگ فرزند ارشد، غم فرزندی که سالهای زیاد جلو چشمانش عمیقا آدمهای دور و برش را نگاه می کرد و می خواست بگوید، می خواهم باری از دوش زحمت های مادر بردارم اما همچنان بی حرکت فقط خستگی های او را نظاره بود و به قول خود مهری این بزرگترین خنجر بر دلش بود، از دیگر رنج هایش، دردهای جسمانی اش چون قند خون، قلب بیمار و هزار و یک درد دیگر که هرگز شکایتی بر لب هایش ننشاندند زیرا که بر این باور بود که رنج هم بحشی از زندگی است!

او زن عجیب و انسان بزرگی بود، هرگز این همه رنج و درد او را از زندگی شخصی و علایق فردی اش دور نکرد و با وقت گذاشتن در فضاهای ادبی زندگی پر مشغله تاهل و فلسفه عجیب مادر بودن را به من شخصی اش پیوند زد و شایسته زیست.

شاید آثار زیادی از خانم کرمی عزیز در دست نباشد اما حس های خوبی در جلسات ادبی مختلف از ایشان به جا مانده که وقت فکر کردن به آنها شادمانی عجیبی بر دل آدم سرریز می شود که گویی بخشی تفکیک نشده از ادبیات بوشهر سالهای اخیر، او بود که با آن ریزبینی خاص و صفا و صمیمیتش در ذهن ها باقی مانده است!

همراه بودنش در انجمن اهل قلم، جلسات دوشنبه های ادبی نسیم جنوب، نشست های دورهمی ادیبانه منزل دوستانی چون محسن شریف، حسن آرش نیا و فرح راوردشیری را همیشه با یاد و خاطره مهری به یاد دارم و حرفها و تفکرات و اندیشه هایش!

او در همه چیز مقتصد و صرفه جو بود جز دوستی، مطالعه و کتاب خوانی، کمتر از حد معمول می نالید، شکوه می کرد و کم تر از دیگران حرف می زد، اما در اکثر موقع در پی همین کم حرف بودنش جمله هایی را بیان می کرد که نشان از تیزبینی و درک عمیقش از هستی، روزگار و فلسفه چگونه و چرا زیستن است!

یاد و خاطره اش را گرامی می دارم و این شعر را به او تقدیم می کنم :

آبروی آب را نبرید
من دوزیست شده ام
که بی هوای بودن ات هم
نفس می کشم
...

یادت گرامی دوست عزیز .

ما داغ داریم زیرا هنوز زنده ایم

داریوش غریب زاده



سالهای کارگری چاپخانه بود. منم عادت به تکرار مکررات. تا این که هفته نامه ها آمدند. آینه جنوب محمد، نسیم جنوب یونس، نصیر بوشهر حسن و ...

چاپ این هفته نامه ها نه تنها حال و هوای مرا عوض کرد، یعنی از میان چاپ اوراق اداری و آگهی مردگان بیرون کشید بلکه با بسیار نویسنده و شاعر و پژوهشگر آشنا کرد.

مهری همیشه می نوشت و نوشته هایش را پای ماشین چاپ می خواندم.

امروز خبر سفر مهری را نه بچه های اهل قلم، نه بچه های سینما و موسیقی و تئاتر بلکه یکی از نزدیک ترین خویشاوندانم به من داد.

بی دلیل نبود ابدا!

مهری مادر بود. مادر به تمام معنا و چه بایسته تر از این که خبر سفر مادر را از خویشاوند خود دریافت کنی؟

مهری در زیباترین شکل موجود هستی است اکنون.

ما داغ داریم زیرا هنوز زنده ایم. به رغم همه عواملی که مرگ را رقم می زند با پوست کلفت و بی عاری خاص خودمان زنده ایم. اما می توان گفت بی مهری، بی مادر شدیم ...

ضمن عرض تسلیت به بانیان فرهنگ و ادب استان بوشهر
خدا رحمت کند زنده یاد مهری کرمی
شیر زن شاعر بوشهری



کسی که وجودش زمان را امیدوار می ساخت
و با فروتنی فیزیک را
به چالش می کشید
و نگاهش حقیقت را متبلور می ساخت
و تبسم اش افق را بی نهایت می کرد
و هر وجودی را به اندیشه وا می داشت
و چنین است که
در ساحل قلبها
تنها جای پای مهربانان می ماند
وگر نه موج روزگار
هر رد پایی را می زداید

پرویز انبارکی

بانویی با حضور قلبی

راضیه عقیلی مهر



نشست دوشنبه های ادبی نسیم جنوب

بانویی مهربان، مؤدب و دوست داشتنی بود. در حالی که در زندگی دشواری ها و تجربیات زیادی را متحمل شده بود اما در رفتارش متانت و صبوری نشان می داد. بسیار مشتاق به دانستن و شنیدن بود. بسیار می خواند و در طول حیاتش دائم در پی یادگیری در حوزه شعر و ادبیات بود.

هر مراسم ادبی، فرهنگی و مطبوعاتی که برگزار می شد، بانو مهری کرمی را در صف حامیان و شرکت کنندگان آن مراسم می دیدید. در تمام نشست ها و کلاس های آموزشی خانه مطبوعات بوشهر، انجمن های ادبی شعر و داستان از جمله محفل دوشنبه های شعر هفته نامه نسیم جنوب و بعدها نشست متون کهن هفته نامه پیغام و دیگر انجمن های فرهنگی از جمله انجمن دوستداران حافظ دفتر بوشهر، چهره مهربان و عمیق بانو در میان حاضران، خودنمایی می کرد در حالتی که با دقت و توجه به سخنان سخنران یا مطالب و آموزش هایی که در آن جلسه عنوان می شد تا پایان گوش فرا می داد.

با توجه به نقش و سابقه ی بانو کرمی در شکل گیری انجمن اهل قلم و با توجه به این که ایشان چندین دوره عضو هیئت رئیسه این انجمن بودند و همچنین حضور مستمر و متعهدانه ی وی در روشن نگه داشتن و پررونق کردن نشست ها و محافل ادبی انتظار می رفت او را از سخنران ثابت و وام دار این محافل بیابید اما اینگونه نبود و همان طور که اشاره کردم برعکس ایشان آرام و در سکوت با حضور دلگرم کننده اش، محل اتکای جمع فرهنگی استان بودند.

حضوری چنان مستمر و پررنگ که اگر روزی بانو را در این محافل نمی دیدید، غیبتش احساس می شد.



برخی انسان ها نیاز ندارند برای این که دیده شوند و برای این که شناخته شوند، در محافل و در جمع، سخنرانی کنند و یا چالشی برپا نمایند تا دانش خود را به دیگران محک بزنند. بانو مهری کرمی با حضور مستمر و منظم و با هنر زیبای گوش فرادادن، هنری که این روزها کمتر دیده می شود، چون همه خوب بلد شده اند، فقط حرف بزنند، در این عرصه خطیر او شنونده بود. برخی از آثار و داستانک های زیبایش را که در نشریات محلی استان چاپ می کرد، می خواندم. نوشته هایش برای من جذاب بود. حتی تعریف هایش از انسان ها و گذشتگان برایم جذابیت داشت. چیزی در این نوشته ها و تعاریف بود که آن را در مردمان امروزه کمتر شاهد هستم و آن عمیق بودن اندیشه و صبوری است.

شاید نتوان حضور موثر بانو کرمی را که وزن نشست های ادبی و فرهنگی استان بود به درستی در این کلمات نشان داد اما تعهد و دغدغه وی در حضور مستمر و متعهدانه اش در نشست های ادبی نشان از اهمیت و ارزش دادن او به فرهنگ است که باید در آن تامل کرد و نسبت به این مهم اندیشید. به ویژه که این روزها به اهالی حوزه رسانه و فرهنگ استان به طرقی بی مهری و بی توجهی می شود. باید بدانیم فرهنگ و هنر معجزه ترقی و پیشرفت فکری و تمدنی ماست. چیزی که بانو مهری کرمی به خوبی از آن آگاه بود.

حضور بانو در این محافل مهر تایید و تاکیدی بود برای ما جوان ها که بدانیم و بنویسیم و بخوانیم.

او حتی در فضای مجازی به همان پررنگی حضورش در محافل نشان می داد. هر مطلب و یادداشتی که در فضای مجازی برایش می فرستادم تایید و حمایت می کرد.

اما این روزها مدتی بود تأییدهایش را نمی دیدم و همین مرا دلگیر کرده بود و پرتوقع که چرا بانو کرمی مهر تایید همیشگی اش را برایم ارسال نمی کند. برای همین در مراسم بزرگداشتی که به بهانه پاسداشت روز قلم برگزار شد در گوشش به او گفتم بانو مدتی است در اینستاگرام مرا لایک نمی کنی و او گفت کسالت دارم اما چند ساعت بعد از مراسم یک قلب قرمز برایم فرستاد تا یادآوری کند که حواسم هست.

برای کوچ بانوی مهر و اندیشه ؛ مهری کرمی

مرتضی زندپور



دی کوزه گری بدیدم اندر بازار
بر پاره ی گل لگد همی زد بسیار
وآن گل به زبان حال با او می گفت
من همچو تو بوده ام مرا نیکو دار(خیام)

هر چند، مرگ حقیقت تلخی ست و گریزی از آن نیست.

...انسان تولدی دارد و بدرودی، این مهم نیست، مهم چه گونه زیستن انسان است. بعضی، حتا زمانی که به ظاهر زنده اند، هیچ تفاوتی با مرده ها ندارند چون هیچ تحرک و نقشی را در زندگی به عهده نمی گیرند و بعضی حتا، زمانی که به ظاهر مرده اند ولی زنده اند. چه در آثار، چه در یاد و خاطره دوستان و مردم...

تحرک و پویایی از خصوصیات یک موجود زنده است. دکتر هوشنگ شفا می گوید:

...زندگی یعنی تکاپو/ زندگی یعنی هیاهو/ زندگی یعنی، شب نو، روز نو،اندیشه ی نو/ زندگی یعنی غم نو، حسرت نو، پیشه ی نو/..

آری زندگی هر انسان متعهد باید سرشار از پویایی و اثر بخش باشد.

بانو مهری کرمی یکی از انسان های فعال در عرصه ی ادبی و فرهنگی بوشهر و از بانوان پیشکسوت در این عرصه به حساب می آمد، در نشست ها و جلسات ادبی و فرهنگی حضوری موثر داشت.

در زمان حسن آرش نیا، در جلسات ادبی و هفتگی دوشنبه های ادبی نسیم جنوب حضور بانو درعلی، بانو کرمی، رضایی طرهانی، فرح راوردشیری و ... تاثیر فراوانی داشت.

نقش ایشان در اکثر جلسات ادبی نقش پر بار و تاثیر گذاری بود.

فراموش نمی کنم، در کافه آوان که با همکاری بانو صمصامی برگزار می شد و در آن بزرگانی همچون امید غضنفر، علیرضا عمرانی، بانو درعلی، بانو کرمی، بانو راورد شیری، بانو شعبانی، بانو درختیان و ... حضور داشتند نقش بانو کرمی نقش جسته ای بود.

برای حضور در مراسم بزرگداشت چهره های ادبی و فرهنگی تعهد قابل ستایشی داشت هر چند تعهد و مسئولیت او در زندگی خانوادگی هم کم نبود.

به هر حال بانو کرمی کوچ کرد و پر کشید تا چشمان دوستان خود را نه بر خاک که در افق خیره کند. خاطره اش در یاد ما خواهد ماند. زیرا:

هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق
ثبت است بر جریده ی عالم دوام ما(حافظ)

حسین منزوی

ای خون اصیلت به شتک ها ز غدیران
افشانده شرف ها به بلندای دلیران!
جاری شده از کرب و بلا آمده وانگاه
آمیخته با خون سیاووش در ایران

تو اختر سرخی که به انگیزهء تکثیر
ترکید بر آیینهء خورشیدضمیران
ای جوهر سرداری سرهای بریده!
وی اصل نمیرندگی نسل نمیران!

خرگاه تو می سوخت در اندیشهء تاریخ
هربار که آتش زده شد بیشهء شیران
آن شب چه شبی بود که دیدندکواکب
نظم تو پراکنده و اردوی تو ویران؟

وآن روز که با بیرقی از یک سر بی تن
تا شام شدی قافله سالار اسیران!
تا باغ شقایق بشوند و بشکوفند
باید که ز خون تو بنوشند دلیران

تا اندکی از حق سخن را بگزارند
باید که به خونت بنگارند دبیران
حد تو رثا نیست ، عزای تو حماسه ست
ای کاسته شأن تو از این معرکه گیران....

نخستین اثر نویسنده نوجوان بوشهری منتشر شد



نخستین کتاب زهرا انگالیان، نویسنده نوجوان بوشهری منتشر شد.
اولین پرونده قتل کارگاه آنالی برت وارث شرلوک هولمز، نام نخستین اثر این بانوی نوجوان بوشهری است که به تازگی روانه بازار شده است. این داستان بلند که در ۴ فصل مستقل «نوزادی در اسید»، «خائنی که به قتل رسید»، «ربوده شده» و «احساسات مساوی است با شکست» نوشته شده‌است و چنان که در پایان آن آمده است «ادامه دارد»، داستانی است در ژانر پلیسی که با الهام از شخصیت معروف داستان‌ها و فیلم‌های پلیسی، شرلوک هلمز، نوشته شده‌است. اولین پرونده قتل، ماجرای کارآگاهی ایرانی الاصل به نام آنالی برت است که از ۲۶ سالگی از ایران به انگلستان مهاجرت می‌کند و ابتدا مدتی در اسکاتلندیارد و سپس به عنوان کارآگاهی خصوصی در لندن مشغول می‌شود که با پرونده‌های متعددی روبرو می‌شود که هر فصل کتاب به یکی از این پرونده‌ها اختصاص دارد.
در بخشی از کتاب می‌خوانیم: «اصلا فرضیه‌مان را از اول شروع کنیم. ساعت ۵ صبح دیروز مردی به قتل می‌رسد. او با تفنگ ایلای شماره ۲۲کشته شده. کنار گردن مقتول، علامت یک گروه سری را می‌یابیم. در صحنه قتل یک اسباب‌بازی کودک پیدا می‌شود...»
زهرا انگالیان، متولد ۱۳۸۶ شهر بوشهر است که از ۱۲ سالگی کار نوشتن را آغاز کرده است. اولین کتاب این بانوی نوجوان بوشهری، در تیراژ ۵۰۰ نسخه و در ۹۰ صفحه توسط انتشارات شاخه زرین، به زیور طبع آراسته شده است و در اختیار علاقمندان به ادبیات قرار گرفته است.

به بهانه ی بدرود همیشه ی آموزگار و معلم راستین، استاد عبدالکریم قاسمی

فردوسِ برَین، جای تو باشد...

حماسه ی حق پرست

جاودان یاد استاد عبدالکریم قاسمی؛ دبیرِ دیرین و معلم ِعالِم و عاشقِ ادبیات فارسی مِدارس و دبیرستان های بوشهر، از جمله ی ماندِگان و نمایندگان ِراستین ِآموزگارانی بود که تعهد و مسئولیت در برابر دانش آموزان و محصلین را تا پای جان و ژرفای وجود خود به دور و بدون هر گونه چشمداشتی، گران و گرامی می داشت.
سلسله ی آموزگارانی که شغل و پیشه ی شریف معلمی و تعلیم و تربیتِ فرزندان این آب و خاک را با شرافتی مطلق و صداقتی به تمام معنا، درآمیخته بودند تا با آموزشِ جانانه ی خود نسل ها را با اصولِ تربیتی آشنا سازَند تا مگر از این رهگذر، آیندگانی با دانش و بینش را به آینده تحویل و تقدیم نمایند.
معلمین گرانقدری که آنات و ساعات عمر گرانمایه و گرانسنگ خود؛پایِ تخته را پایگاه راستین ِهم آموزش و هم پرورش دانش آموزان می دانستند و تنها و تنها با گچ و اَبره ای ساده، صمیمانه ترین و عمیق ترین مفاهیم و معانی را با بیان رسای خود تعلیم و تدریس می نمودند و با استادی هر چه تمام تر حق مطلب را ادا می کردند.



سال ۱۳۷۲ اما در دبیرستان شریعتی بوشهر فرصت مغتنم و ارزشمندی بود تا با افتخار به شاگردی استاد قاسمی در آیم.
افتخاری و مایه ی مباهاتی که نصیب تمام هم دوره ای ها و هم کلاسی هایم شده بود تا در آینده ای نه چندان دور از این تلّمذ و شاگردی به خود ببالند که ادبیات فارسی را نزد و خدمت استاد قاسمی آموخته اند و البته در اندک زمانی کوتاه این ارتباط شاگردی /معلمی با توجه به کاریزمای وصف ناپذیر استادقاسمی، فراتر از درس و مدرسه می شد و رفته رفته آن استاد عزیز حُکم حکیم و دوست و بزرگ و مرشدی را داشت که بچه های مدرسه می توانستند در تمامی امور زندگی و مشکلاتِ پیش رویشان با معلم و آموزگار خود همکلام و همراز شوند.
کوتاه کلام این که کلاس درس و بحث استاد قاسمی هیچ گاه و هیچ زمان به چند صفحه از کتاب ادبیات فارسیِ مرسوم و معمولی که چاپ و منتشر و توزیع می شد، محدود و معدود و منحصر نشد و ابیات و ادبیاتی گسترده تر از آن کتب به دانش آموزان ارایه و تفسیر و تفصیل می شد و رسم زیستن و آیین چرخ ِروزگار از خاطرات دریا و دریانوردی استاد و همنشینی و همراهی هایش با جاشوان تا علاقه و عشق وافرش به موسیقی سنتی ایران و تا ... تعصب خاصی که به بوشهر و بزرگان ادب و فرهنگ و هنرش داشت و در کلامش هویدا و آشکار بود، همه و همه پیوست گفتار آن مهربان معلم دوران بود.
مسیر خانه تا مدرسه را (که همیشه پیاده طی می نمود)، فرصتی می دانست برای عرض ارادت و احترام و حرمت و قدردانستن جهان گذرا در دست به سینه شدن هایش رو به روی مردمان کوی و برزن و گذر با آن شوخ طبعی ها و لطیف سخنان خاص خود...
به احترام مردمان دیارش تمام قد می ایستاد و به نشان احترام دست بر سینه می گذاشت و همواره به یاد دارم که پیوست ناگسستنیِ کلامش در آغاز و یا پایان گفت و شنودش با تکَ بیت یا ابیاتی که در تمام طول دوران در ذهن و در سینه داشت از بزرگان شعر فارسی، توامان بود و این که بیشتر اوقات که در گذری و گذاری خدمت استاد بودم اغلب می خواند و واگویه می کرد از قول و غزل حضرت حافظ که؛

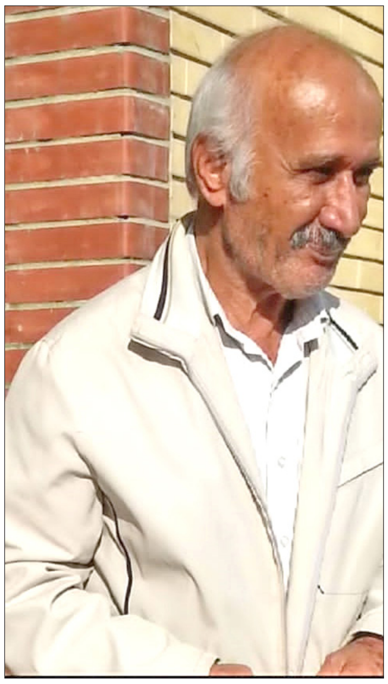
من ملک بودم و فردوس برین جایم بود
آدم آورد در این دیر خراب آبادم
پاک کن چهره ی حافظ به سرِ زلف، زِ اشک
وَرنه این سیلِ دَمادم ببرد بُنیادم...

روحش شاد و یادش گرامی باد تا همیشه و همواره...

بیاد استاد گرانقدر کریم قاسمی دبیر ادبیات مدارس بوشهر

گفتا چه توان کرد که تقدیر همین بود

دکتر عبدالرحیم مهرور



سیر و سلوک هر انسانی به رفتارها، معرفت و منش او بستگی دارد.
زنده یاد کریم قاسمی با چهره ای بشاش، متین و دوست داشتنی در سخن، استاد ادبیات خانوادگی ما بود. در همه دیدارها با تبسم و لبخندهای ادیبانه ای که داشت ما را همیشه با سخنان گوهر بارش در آغوش خود می گرفت و نوازش می داد.
در سخنانش بر تاکید و تاثیر موضوعات و بیاناتش حرکت موزون دستهایش معنای خاصی داشت.
همیشه و در همه حال و احوال بنده تعظیمش می کردم زیرا که مدیون اخلاق و شیفته معرفتش بودم و نه تنها بنده و همسرم سپاسگزارش بودیم بلکه تمام اهالی بوشهر او را دوست می داشتند زیرا : دریایی از عشق و ایثار بود، ادیبی بی همتا، مخلصی بی ریا، انسانی محبوب و تکامل یافته از اخلاق خلاصه هر چه صفات خوب بود در ایشان نهفته بود.
روحشان شاد و یادشان گرامی باد.

دریابست فقط برای ماهیگیران ایرانی؟

جواد غلام نژادجبری



در تابستان صید خودش کم می شود و صیادان خیلی کم و به ندرت به دریا می روند یعنی به نوعی خودش دریابست است. شیلات یک ماه جلو فصل میگو (ترال) دستور دریا بست می دهد که این دریابست به قول خودشان برای تخم ریزی آبزیان است، ولی در این مدتی که دریا بست شناورهای زیادی در حال کشیدن ترال در دریا هستند.
اگر دریا بست کلی است که کسی نباید برود، ولی انگار با این اتفاقاتی که شکل می گیرد و دیده می شود، دریابست برای بعضی از اسکله ها است و این یک نوع بی عدالتی به حساب می آید. چرا باید حق دیگر صیادان ضایع بشود و چرا شناورهای حاشیه خلیج فارس از کشورهای همسایه عرب زبان در آبهای ایران دارند به راحتی ترال می کشند؟



در این ۱۰سال اخیر صید ماهی و میگو بسیار کم و ضعیف شده است، بخاطر همین صید های بی روحیه و بی عدالتی ها، خیلی از خانواده های ماهیانی که در خلیج فارس قبلاً صید می شد الان دیگر نیست و نسل شان منقرض شده است.
همین شناورهای کشورهای عرب زبان که در آبهای ایران ترال می کشند، در کشورهای خودشان اگر صید کنند و ترال بکشند شناورهایشان را با جرثقیل بلند می کنند و به زمین می زنند تا تکه تکه شود و صاحب و ناخدا را جریمه و زندانی می کنند. حالا اینها به راحتی در آبهای ایران صید می کنند و ترال می کشند و نسل آبزیان دریای ما را منقرض می کنند. صید ترال ریزترین اندازه انواع آبزیان را صید می کند و موقعی که تور ترال بالا می آید دیگر این آبزیان مرده اند و در دریا ریخته می شوند.
ایران نیاز به یک هیئت اهل دریا دارد تا دریانوردان با تجربه بتوانند دریا را برای آیندگان نگهدارند، آیندگان ما هم باید از این دریا استفاده کنند.

خاطرات فراموش نشدنی فرهنگی و ادبی بوشهر

حسین پورصفر



برای کسانی که کار فرهنگی ادبی می کنند خاطرات فرهنگی ادبی شهر و زاد و بوم شان به مراتب برایشان جذاب و فراموش نشدنی است. خوشبختانه از این نگاه بوشهر کارنامه قابل تاملی دارد. همراه با دوره اصلاحات به محض این که جامعه ما نفسی کشید، بلافاصله شمع انتشار نشریات فرهنگی و ادبی در بوشهر روشن شد و با همکاری فرهیختگان فرهنگ و ادب، این روشنایی علی رغم نشیب و فرازها، همچنان در دل شهر ما روشن است.



نشریه آیینه جنوب متاسفانه در کش و قوس سیاسی قربانی شد و نتوانست به راهش ادامه دهد، ولی نسیم جنوب و برخی نشریات دیگر کماکان پایدار به راه خود ادامه می دهند. روزی نیست که ما این خاطرات پر افت و خیز را بخاطر نیاوریم و به آن فکر نکنیم.

نباید از نظر دور داشت که کار فرهنگی – ادبی گرچه به زندگی اجتماعی سیاسی گره خورده و از آن جدایی ناپذیر است اما در عین حال عرصه فعالیت آن ها متفاوت و دو مقوله جداگانه اند. توجه به این امر، مهم است. خوشبختانه نسیم جنوب با درایت مسولانش به این امر مهم توجه کرده و همچنان شمع محفل دوستداران فرهنگ و ادب است. نشریه فرهنگی ادبی اگر حوزه فعالیت خود را درست تشخیص ندهد و بخواهد نقش ارگان های سیاسی را به عهده بگیرد لاجرم در جامعه ما ناکام خواهد ماند. دامنه فعالیت فرهنگی – ادبی در هر جامعه ای آنقدر پر دامنه و وسیع است که نیاز به پشتیبانی عرصه های فعالیت های دیگر ندارد.



«دوشنبه های ادبی نسیم جنوب» که توسط شادروان منوچهر آتشی شروع و با دبیری شادروان محمد حسن آرش نیا هر هفته در دفتر نشریه نسیم جنوب برگزار می شد، از جمله فعالیت های فرهنگی ادبی در بوشهر بود.

نمی توانم در این رهگذر از فعالیت «انجمن اهل قلم» که به مدد دوره اصلاحات در بوشهر تاسیس شد، اشاره نکنم. این انجمن با مدیریت محسن شریف و فرشید جان احمدیان، چه خدمت ها که برای تعالی فرهنگ و ادب بوشهر نکرد. ایجاد کارگاه داستان و شعر به طور مستمر در دوره فعالیتش و برپایی مراسم یاد بود هنرمندان بوشهری از جمله فعالیت های فراموش نشدنی این انجمن است.

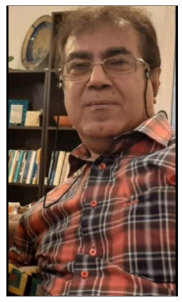
قابل تامل است که پس از تعطیل کردن انجمن اهل قلم بلافاصله «کارگاه جنوب داستان» به همت مهدی انصاری در بوشهر سر برآورد که جلسات چهارشنبه های این کارگاه بطور مستمر در مدرسه سعادت برگزار می شد.

این ها گواه بر این مدعا است که فرهنگ و ادب پاره تن این شهر است و این روشنگری خاموش نشدنی است. ناخوداگاهِ بوشهر به صادق چوبک ونجف دریابندری گره خورده است. دیر یا زود این فعالیت های بی چشم داشت نتیجه خواهند داد و نام بوشهر و خوزستان تحت عنوان ادبیات جنوب همچنان بر پهنه ادب معاصر ایران خواهد درخشید. نقش نشریات فرهنگی و ادبی برای اعتلای این مهم بیش از عرصه های دیگر است.

خاطره های کتاب و کتاب خوانی در بوشهر قدیم

گاهی گریه هم کردیم

حمیدرضا گشمردی



لیست چند کتاب که نوشته بود از جیبش بیرون آورد و بعد از این که سری به دور و بر چرخاند کف دستم گذاشت و گفت: وقتی مدرسه تعطیل شد، برو کتاب فروشی " علیباشی " بگیر و بخوان.

بوشهر سال های ۵۰ به غیر از دبیران خوب بوشهری که بودند معمولن دبیران تبعیدی هم داشتیم، که همه از کسانی بودند کتاب خوانده و دارای اندیشه های خاص خود، من که دانش آموز کلاس دهم دبیرستان سعادت بودم سال های ۵۰-۵۱، تنها منبعی که می توانست کتاب های معرفی شده را در دسترس ما قرار دهد کتاب فروشی "علیباشی" بود.



کتاب های منشا حیات " اوپارین " و یا " نوعی از هنر و نوعی از اندیشه " و کتاب های ساعدی، آل احمد، صمد بهرنگی و ... می خواستیم به سرعت خود را به این کتاب فروشی می رساندیم. ایشان هر چند چهره ای جدی داشت، ولی مهربان و متین و با آگاهی از متون کتاب هایش که به وضوح می شد در وجودش مشاهده کرد.

سری بر می گرداند یک نگاه به سمت چپ و نگاهی دیگر به سمت راست کتاب ها را در اختیار ما قرار می داد و زیر لب زمزمه های خود را می کرد "مواظب خودتون باشید "

کتاب فروشی "علیباشی" در خیابان معلم صد متری دبیرستان سعادت و روبروی اداره آموزش و پرورش قرار داشت.

ما از بزرگی دبیران مان و از کوچکی دامنه ی تفکرات ذهنی و علمی خودمان می ترسیدیم و تلاش داشتیم که زود بخوانیم و بزرگ شویم. وقتی طنین صدای دبیر ادبیات مان در کلاس شعر کتیبه اخوان ثالث را می خواند و در دالان های دبیرستان سعادت می پیچید " فتاده تخته سنگ آن سوی تر، انگار کوهی بود و ما این سو نشسته خسته انبوهی... هلا یک دو سه عرق ریزان عزا دشنام گاهی گریه هم کردیم " وقتی در خواست این شعر کردم ارجاع ام داد به کتاب فروشی " علیباشی " زیرا نزدیک مدرسه مان بود.

زندگی سخت باعث می شد موفقیت هایی در زندگی مان به وجود بیاوریم تا خودمان را اثبات کنیم. که این محدودیت های تحمیلی و درونی که برای خود ساخته بودیم بنابراین برای غلبه بر این کم بود ها جز عشق کتاب خوانی و دانستن, چیزی نداشتیم که جای گزینش کنیم.

بعد ها در بحبوحه ی انقلاب سال 56 بازار گرم کتاب های جلد سفید بود و این کتاب فروشی " علیباشی " بود که ملجا و ماوای ما برای تهیه کتاب های ممنوعه شد. آن زمان کتاب های ممنوعه به کتاب های جلد سفید معروف بود (واقعن جلدش سفید بود) در اختیارمان قرار می داد.

کتاب فروشی " علیباشی " یک مغازه ای کوچک بود با یک پیش خوان چوبی که بعضی کتاب ها را روی آن می چید و خودش پشت آن می نشست و نظاره گر مشتریان بود که با علاقه به او مراجعه می کردند. (که بعدها توسعه پیدا کرد و به یک کتاب فروشی بزرگتری تبدیل شد) البته کتاب فروشی های دیگری هم در بوشهر وجود داشتند که هم نمایندگی مطبوعات و هم کتابهای درسی داشتند مانند آقای رهنمایی و کتاب فروشی مهرداد مربوط به آقای حسین دهدار و آقای داد و آقای مهیار که در جای خود قابل تقدیرند. بالاخره آقای علیباشی بعد از مدتی بیماری در سال ۱۳۹۴ در بوشهر درگذشت. (روحش شاد) و خاطره های کتاب و کتاب خوانی دو سه نسل را با خودش برد.

(مجله همشهری داستان، شماره ۱۰۲ – ۱۳۹۸)

درخشش طارمی در سوپرکاپ پرتغال: «به پادشاه ایرانی تعظیم کنید»

سوپرکاپ فوتبال پرتغال، میان تیم‌های پورتو و توندلا برگزار شد که پورتو با نتیجه سه بر صفر پیروز شد و قهرمان شد. مهدی طارمی در این دیدار، ۲ گل به ثمر رساند و روی یک گل دیگر هم تاثیر مستقیم داشت. باشگاه پورتو در واکنش به درخشش طارمی در توئیتر نوشت: «به پادشاه ایرانی تعظیم کنید.»





پارک زیبای لیان، ساحل بوشهر
عکس از علی اکبر هنرور

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول وسردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰،
دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷ فاکس: ۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷
تلفن همراه و واتساب: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان

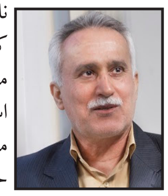
nasimjonoub.com
نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر

تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
www.nasimjonoub.com

مسافرت پلوسی و هژمونی چین و آمریکا

امان الله شجاعی



نانسی پلوسی قرار است که به تایوان مسافرت کند. مسافرت پلوسی به مفهوم آن است که تایوان یک کشور مستقل است و تحت امر و یا حاکمیت جایی دیگر نیست.

چین این مطلب را توهین به خود، و نقض حاکمیت ملی خود می داند، در نتیجه از آمریکا خواسته تا از این حرکت که کاملا سیاسی و هدفمند است، صرف نظر نمایند و نانسی پلوسی به این کشور نرود. اما آمریکا نپذیرفته و برنامه ی سفر را در دستور کار دارد. در نهایت



چین به آمریکا هشدار داده که با آتش بازی نکند و مسافرت پلوسی به تایوان را لغو نماید.

به نظر می رسد که اگر این مسافرت انجام شود، هژمونی چین که در حال حاضرتنها قدرت اقتصادی اش با سالانه بیش از ۱۹ تریلیون دلار درآمد ناخالص داخلی(دومین اقتصاد جهان)، مد نظر است و همانند آمریکا دارای یک جایگاه جامع از لحاظ مختلف نیست، بسیار ضربه خواهد دید. به همین منوال، اگر آمریکا هم نتواند این مسافرت را انجام دهد، به عنوان یکه تاز میدان (آن گونه که آن کشور فکر می کند) سیاست، قدرت نظامی و اقتصادی(بیش از ۲۳ تریلیون دلار درآمد ناخالص داخلی) و...با افت شدید شخصیت جهانی و ضربه به هژمونی، روبه رو خواهد شد.

به نظر می رسد که در پشت پرده های سیاست، احتمال تصمیم رودر رویی نرمی با چین مد نظر باشد و سفر پلوسی به تایوان با علاقه به ممانعت چین برنامه ریزی شده باشد. زیرا با جلو گیری چین از این دیدار، می توان برای قانع کردن مردم امریکا و جامعه بین المللی برای کاهش مراودات اقتصادی و کاهش روابط با چین و ورود به نوعی جنگ سرد با آن کشور دست زد.

گرفتاری پوتین در جنگ با اوکراین و گرفتار کردن چین در باتلاقی مشابه در تایوان، می تواند سرعت رشد اقتصاد چین را کاهش و فاصله ی آن را با آمریکا افزایش داده و اضافه بر آن، خرید نفت و سایر نیازمندی های چین از روسیه را نیز به حداقل برساند. یعنی با یک تیر، دو نشانه را هدف قرار می دهد و هر دو را نیز به صورت فرسایشی ادامه خواهد داد.

اگر سران چین عاقل باشند، با شرایطی این سفر را می پذیرند تا در دام آمریکا نیفتند.





در سوگ شادروان مهری کرمی

بدرود مهربانوی فرهنگ و ادب

یونس قیصی زاده

درگذشت ناگهانی شادروان مهری کرمی باعث تاسف و اندوه فراوان جامعه فرهنگی و ادبی بوشهر شد. بانویی که سال‌ها در عرصه فرهنگی و ادبی بوشهر حضوری فعال داشت و زینت بخش مجامع فرهنگی و ادبی بود.

سال‌ها پیش که بعد از مرگ پسر، همسرش را نیز بطور ناگهانی از دست داد، سرپرستی خانواده را بر عهده گرفت و هنوز در غم فراق بود که پسر جوانش نیز تصادف سختی نمود و در بستر بیماری افتاد که دیگر برخاستنی نبود و سال‌های سال به دلیل آسیب مغزی که دیده بود، بی‌حرکت در این بستر، با چشمانش قدردان فداکاری هایی بود که مادرش برای نگهداری او می کرد و اکنون نمی‌دانم همانند دیگر فرزندانش، چگونه می‌تواند جای خالی مادرش را تحمل کند.

گرچه در این زندگی سخت، رنج‌ها کشید اما حضوری گرم و مهربانانه در محافل فرهنگی و ادبی داشت و همانند مادری مهربان با دیگران برخورد می‌کرد و در مشکلات آنان سنگ صبورشان بود و غم دیگران را نیز می‌خورد و سعی داشت گره از کار دیگران نیز بگشاید، دردهایش را برای خود نگه می‌داشت و کمتر به ذکر آنها برای دیگران می‌پرداخت و لبخند مادرانه اش تکیه گاهی شده بود تا محبوب و زینت بخش محافل شود.

هنگام برگزاری جلسات دوشنبه های ادبی نسیم جنوب در زمان شادروان منوچهر آتشی و سپس شادروان محمدحسن آرش نیا، حضوری همیشگی داشت و بارها اشعارش مورد تمجید این استادان و دیگر بزرگواران دوشنبه های ادبی قرار می گرفت. گرچه به خاطر فروتنی در قرائت اشعار پیشقدم نمی‌شد ولی شادروان محمدحسن آرش نیا در هر جلسه خواستار قرائت اشعاری از وی میشد و با اصرار حاضران، خانم کرمی اشعاری را می‌خواند که مورد توجه و تمجید قرار می گرفت.

در انجمن اهل قلم به عنوان عضو هیات مدیره در کنار شادروان محسن شریف و دیگر دست اندرکاران حضوری فعال داشت و بانی برگزاری مراسم و تقدیر از شاعران و نویسندگان بود.

به شعر و کتاب عشق می‌ورزید، عشقی از جنس همنشینی با شعر و کتاب برای رسیدن به آرامش درونی و نه خودنمایی و تظاهر بیرونی.

راهنما و مشوق شاعران جوان بود و بارها اشعار آنها را برای چاپ در نسیم جنوب آماده می کرد و آنان را برای ادامه راه و جدی بودن در مطالعه و آموختن تشویق می‌نمود.

به تمام معنا مهربان بود و این چتر مهربانی و حمایتش را بر سر خانواده و دوستان و دیگران، سخاوتمندانه و بدون چشمداشت گسترده بود.

شادروان مهری کرمی زن سال‌های سخت بود و مقاومت کم نظیرش در برابر سختی هایی که در زندگی با آن روبرو شد، از وی الگویی ساخته بود که زبانزد و همراه با تحسین بود.

فقدان این بانوی فرهنگ و ادب را خدمت خانواده داغدارش و جامعه فرهنگی و ادبی بوشهر تسلیت عرض نموده، و گرچه می‌دانم هنوز چشم نگران فرزند بیمارش هست، اما امیدوارم اکنون و در سرای باقی، به آرامشی برسد که این دنیا از وی دریغ کرده بود.

استان بوشهر، آرام ترین استان کشور



نزاع و درگیری‌های خیابانی و خانوادگی همواره بخش قابل توجهی از ارجاعات واحدهای معاینات بالینی مراکز پزشکی قانونی سراسر کشور را به خود اختصاص می‌دهد.

بر اساس گزارش سال ۱۴۰۰ سازمان پزشکی قانونی، استان‌های تهران با ۹۶,۴۹۶ ، خراسان‌رضوی با ۵۱,۶۳۰ و اصفهان با ۴۱,۰۶۴ نفر بیشترین و استان‌های ایلام با ۳,۴۹۰ ، بوشهر با ۳,۶۴۱ و خراسان‌جنوبی با ۴,۱۶۴ نفر کمترین آمار ارجاعات نزاع را داشته‌اند.

از نگاهی دیگر بیشترین نرخ نزاع (تعداد نسبت به جمعیت استان) مربوط به استان‌های اردبیل، آذربایجان شرقی، همدان و زنجان بوده و کمترین مربوط به سیستان و بلوچستان، هرمزگان، بوشهر و خوزستان بوده است.

بی آب

پرویزانبارکی



عکاس: فرانک بلورزاده

در فغان است حسین و لب اصغر بی آب
چونکه عباس زده بر دل لشکر بی آب
وعده داده است به طفلان لب نهرآب آرد
دیده ی منتظر زینب مضطر بی آب
ناز میریخت دو سوی لب چشمه سردون
بر سر چشمه لب زاده ی حیدر بی آب
خواست آبی به لب تشنه خشکیده زند
یادش آمد که لب خیمه سراسر بی آب
جرعه ی آب رهاکرد و دو مشکش را بست
مشکها پر شده بر دوش و دلاور بی آب
وقت رفتن پسر شیرخدا خوش می رفت
با غضب تاخت سر دشمن کافر بی آب
آن یل افتاد دل دشمن و دل داده به آب
نکند سینه ی مشکی لب خنجر بی آب
هرچه میریخت سر دشمن و پا برمیداشت
باز می رفت دل لشکر دیگر بی آب
ناگهان تیر بلا مشک جلو دار درید
سخت جوشید دل شیر شناور بی آب
آن یکی مشک چو دردانه به آغوش کشید
از قفا دست چپ افتاد زپیکر بی آب
لیک مجبور شد آن مشک به دندان گیرد
خیمه گه چشم رقیه چو کبوتر بی آب
خون چو فواره زدستش به فراسو میرفت
ضربه میزد به یکی دست چو اژدر بی آب
دست دیگر زتن افتاد به صد تیغ جفا
گشت عباس نگاهش به برادر بی آب
خیمه گه وعده ی عباس و لبهای عطش
چون گل یاس لب سبط پیمبر بی آب
اسب خودتاخت و مشکش به دل وجان میبرد
مشک پر پر شد و عباس در آخر بی آب
نیزه باران شد و عباس جگر خون افتاد
مشک دارد سریک بوسه زاکبر بی آب
زلف در خون شده بر خاک بلا می غلطید
دجله خوش بو شده از زلف معطر بی آب
گفت عباس در آغوش برادر خجلم
ساقی دل شده چون آتش و خواهر بی آب
چشم طفلان همه بر مشک به دندانم بود
زیر باران بلا قاسم و جعفر بی آب
سرور خاک بلا پیکر عباس گرفت
داشت هفتادو د وسریک سر و یکسربی آب